

اصلاح ذات البین از دیدگاه قران و حدیث

عباس رهبری^۱، مژده اردلانی^۲

^۱ مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس کردستان، سنندج ایران آدرس پست الکترونیک
^۲ دبیر الهیات و معارف اسلامی آموزش و پرورش ناحیه ۱ سنندج کردستان ایران

چکیده

اصلاح ذات البین یکی از بارزترین پُرسمان‌های جوامع بشری است که قران و فقه به آن پرداخته است. هر جامعه رو به رشد نیاز به سازش و دوستی دارد تا در جامعه درگیری‌ها را کمتر کرده و بیشتر به توانایی‌های مینوی پرداخته شود ما در این نوشتار به معنی واژه اصلاح ذات البین پرداخته و پس از آن دیدگاه قران و همچنین به احادیثی از رسول مکرم اسلام پرداخته‌ایم و راه‌های گوناگون اصلاح ذات البین در جامعه بر پایه آیات و احادیث بیان شده است. این نوشتار که به صورت کتابخانه ای و به شیوه توصیفی تدوین گردیده، پاره ای از دستورات را مخصوصاً در مورد اصلاح ذات البین در جامعه اسلامی ذکر می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: اصلاح، ذات البین، قران، فقه، حدیث.

۱- مقدمه

اصلاح ذات البین نقطه مقابل سخن‌چینی است و فرد می‌کوشد با سخنان خود میان دو تن سازش و خرمی برپا کند. آشکار است آشتی دادن، تنها در روی فرد یا کسان اثر نمی‌گذارد بلکه بالاتر از آن مایه ارج و توانا شدن جامعه اسلامی می‌گردد. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲ ص ۳۱۹) حضرت رسول (ص) در بیان ارج آشتی دادن میان مردم می‌فرماید: آیا شما را به چیزی بافضیلت تر از نماز و روزه و صدقه (زکات) آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن رابطه میان مردم، کشنده و آیین برانداز است. (محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۹ ص ۳۵۸۶ ج ۱۰)

اگر همدلی و هماهنگی کسان درهم‌شکسته شود و استواری و دلگرمی از دل‌ها بیرون رود، مردم از پیشرفت و جنبش تکاملی بازمی‌مانند. کانون خانواده، نخستین بستر پرورش و آموزش است و بیش‌ترین زیرساخت‌های روانی و شخصیتی کسان از اینجا شکل می‌گیرد. یکدلی و سازش مایه آرامش و شادابی در خانه و زمینه‌ساز سازندگی و پرورش بهتر کسان جامعه است. اگر دوستی ساکنان خانه به بی‌زاری و دل‌زدگی تبدیل شود، همه اعضای این کانون، به‌ویژه کودکان آسیب می‌بینند و منش آنان لرزان و ناکارآمد خواهد شد.

جامعه ناهمگون که کسان به‌جای همدلی در پی ویرانی یکدیگر باشند، راه به‌جایی نخواهد برد، افزون بر برگشت و واپس ماندگی، شکوه و ارزش خود را در نزد رقبا از دست خواهد داد. از زمینه‌های بارزش فروپاشی تمدن بزرگ اسلامی، دوگانگی‌های شکننده و رویارویی‌های گروه‌ها و تیره‌ها در درون جامعه‌های اسلامی بود. آقا بزرگ طهرانی بیان می‌دارند: (تفرقه و فساد ذات البین سبب سستی و گسیخته شدن بسیاری ... بوده است. می‌بینیم شماری با شماری دیگر ... به بگومگو می‌پردازند و نزاع‌ها و کشمکش‌هایی را پدید می‌آورند.) (آقا بزرگ طهرانی، ج ۳)

۲- مفهوم اصلاح ذات البین

درباره معنی اصلاح ذات البین، می‌توان گفت صلح به معنی سازش است و از یاد بردن رنجش و سازگاری و آشتی پس از قهر، ذات به مفهوم شالوده و بنیاد است، میان چگونگی پیوند میان کسان؛ و اصلاح ذات البین، استوار سازی و پیوندهای فردی و اجتماعی است. (طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ج ۳ جزء ۹/۱۰۱)

اصلاح ذات البین در برابر، افساد ذات البین، (زمخشری، محمود بن عمر، ص ۲۵۷) روشنگر پدید آمدن دوگانگی، دشمنی و جدایی و دورویی میان مردم است. واژه صلاح ذات البین، در معنای اصلاح به‌کاررفته است، با این تفاوت، اصلاح، زدودن اختلاف و دوگانگی و نزدیک ساختن دل‌های دور شده است و صلاح، کوشش در نگهداشت سازش و خرمی و کوشش در پیدا نشدن تفرقه و فساد. در این تعبیر، فرق صلاح و اصلاح در بهبود مینوی جامعه، مانند پیشگیری و درمان است. (جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، ج ۱/۳۸۳) در قرآن کریم، واژه اصلاح در رده معروف به‌کاررفته است که نشانگر فرق و پیام‌های ویژه هر یک از امر به معروف و اصلاح است. (لاخیر فی کثیر من نجاهم الا من امر بصدق او معروف او اصلاح.) (نساء، آیه ۱۱۴).

۱-۲) اهمیت اصلاح میان مردم

با اینکه دروغ گفتن یکی از گناهان کبیره است و دروغ‌گو مورد نکوهش واقع شده ولی برای اهمیت اصلاح میان مردم، اگر کسی بتواند با این ابزار میان دو تن که با یکدیگر کشمکش دارند خرمی و پاک‌دلی ایجاد کند دروغ گفتن برایش پسندیده است. (مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۸۲، ص ۲۳۲). امام صادق (ع) می‌فرماید: آشتی‌دهنده دروغ‌گو نیست. (محمدی ری‌شهری، محمد؛ ۱۳۷۹، ص ۳۰۸۸)

۲-۲) گستره اصلاح ذات البین

اصلاح ذات البین از بین برنده دوگانگی‌هاست. دوگانگی‌ها، ستیزها، کشمکش‌ها، جامعه اسلامی را از درون ازهم‌پاشیده می‌سازد. مراد از اصلاح، از میان بردن سلیقه‌های گوناگون و همسان‌سازی نیست، چه نهاد آدمیان گوناگون است و آدم‌ها دارای مایه‌های جسمی و ویژگی‌های فکری و محیط زیست نابرابری هستند، این خود به جدایی سلیقه و شیوه‌های زندگی کسان می‌انجامد. (طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، ج ۱/۶۰)

گفت‌وگوی فکری، اگر جامعه را به تنش کشیده و به تیرگی پیوندها و پیوستگی‌ها بیانجامد، در این حوزه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، دایره بحث پُرس‌مان‌ها خانوادگی را هم در برمی‌گیرد، کاربرد اصلاح ذات البین در متون دینی و فرهنگ گذشته مسلمانان گسترده است و پیش از همه‌چیز، اصلاح پیوند و پیوستگی گروه‌های اسلامی، در حوزه آن جای دارد.

۳) احادیثی درباره اصلاح ذات البین

بخشی از روایات با ارزشی که در این زمینه وجود دارد را در زیر بیان می‌کنیم:

۳-۱ - در حدیثی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم که فرمود: «مَنْ مَشَى فِي سَازَش مِیَانِ اِثْنَيْنِ صَلَّى عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ اللّٰهِ حَتَّى يَرْجِعَ وَ اُعْطِيَ ثَوَابَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، كَسِي كَهْ فِي طَرِيقِ اِصْلَاحِ مِیَانِ دُو تَنِّ گَامِ بَرَدَارِد، فَرَشْتِگَانِ اَسْمَانِ بَرِ اُو دَرُودِ مِی فَرَسْتَنْد تَا زَمَانِي كَه بَا زِگَرْدَد وَ ثَوَابِ شَبِّ قَدْرِ بَه اُو دَادَه مِی شُود». (الحر العاملي، ۱۴۰۳، جلد ۱۳، صفحه ۱۶۳، حدیث ۷)

۳-۲ - در حدیث دیگری از امیر مؤمنان علی (ع) می‌خوانیم که در واپسین وصایایش به فرزندان ارجمندش امام حسن و امام حسین (ع) فرمود: اصلاح ذات البین را رها نکنید، «فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ (ص) يَقُولُ صِلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ، اِصْلَاحِ دَر مِیَانِ مَرْدَمِ اَز تَمَامِ نَمَازِهَا وَ رُوزَه‌ها بَر تَر است». (سید رضی، ۱۳۷۸، نامه ۴۷)

۳-۳ - در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) آمده است که فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَ الصَّلَاةِ وَ الصَّدَقَةِ اِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّ فِسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ»، آیا به شما آگاهی بدهم از چیزی که از روزه و نماز و صدقه برتر است، آن اصلاح میان مردم است، زیرا فساد میان مردم همه‌چیز را از میان می‌برد. (محمدی ری‌شهری، محمد؛ ۱۳۷۹، جلد ۲، حدیث ۱۰۵۱۷۳)

۳-۴ - امام صادق (ع) فرمود: «صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللّٰهُ اِصْلَاحُ مِیَانِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارَبُ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا»، صدقه ای که خدا آن را دوست دارد اصلاح در میان مردم است هنگامی که پیوندهای آن‌ها ویران شود، نزدیک ساختن آن‌ها به یکدیگر است. (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، جلد ۲، صفحه ۲۰۹، حدیث ۱)

۳-۵ - در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است که به مفضل بن عمر فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ مِیَانِ اِثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً فَأَقْتَدِهَا مِنْ مَالِي»، هنگامی که میان دو تن از شیعیان من نزاعی دیدی (بر سر امور مالی و مانند آن) با مال من، در میان آن‌ها صلح و سازش برپا ساز. (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، جلد ۲، صفحه ۲۰۹، حدیث ۳)

بر همین بنیاد یکی از یاران امام صادق (ع) به نام ابوحنیفه سابق الحج می‌گوید نزاعی در میان من و دامادم درباره میراثی واقع شده بود. مفضل از آنجاکه می‌گذشت، کمی ایستاد سپس گفت: هر دو به خانه من بیایید، ما آنجا رفتیم و با چهارصد درهم، اختلاف میان ما را حل کرد، سپس گفت بدانید این از مال من نبود بلکه از مال امام صادق (ع) بود که فرمان داده اند هرگاه دوگانگی‌ای در میان شیعیان واقع شود از مال آن ایشان بگیریم و آن‌ها را سازش دهیم. (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، جلد ۲، صفحه ۲۰۹، حدیث ۴)

۳-۶ - در تفسیر آیه شریفه «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيْمَانِكُمْ» (آیه ۲۲۴ سوره بقره) آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «إِذَا دُعِيَتْ لِصُلْحٍ مِیَانِ اثْنَيْنِ فَلَا تَقُلْ عَلَى يَمِينِي أَنْ لَا أَفْعَلَ»، هنگامی که تو را دعوت کردند که میان دو تن سازش برپا کنی نگو من سوگند خوردم که چنین کاری نکنم. (این سوگند ارزشی ندارد از آن صرف نظر نظر کن). (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، جلد ۲، صفحه ۲۱۰، حدیث ۶) این حدیث اشاره به کسانی است که گاهی اقدام به اصلاح ذات البین می‌کنند، سپس گرفتار دشواری‌هایی می‌شوند و سوگند یاد می‌کنند که دیگر گرد این کار نگردند، امام می‌فرماید: این سوگندها بی‌ارزش است و دشواری‌ها پیشین نمی‌تواند بازدارنده این کار باارزش شود.

۳-۷ - امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَصْلَحَ الاضْدَادَ بَلَغَ الْمُرَادَ»، کسی که کسان متضاد را سازش دهد به هدف خویش نائل می‌شود. (آمدی، عبدالواحد بن محمد، حدیث ۸۰۴۳)

۳-۸ - ارج اصلاح ذات البین تا آن اندازه است که گاه دروغ گفتن در این راه پسندیده شمرده شده، چنانکه در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که فرمود: «الْكَلَامُ ثَلَاثَةٌ صِدْقٌ وَ كَذِبٌ وَ اِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ، قِيلَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا الْاِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ. قَالَ تَسْمَعُ مِنَ الرَّجُلِ كَلَامًا يَبْلُغُهُ فَتَحَبُّثُ نَفْسَهُ فَتَلْقَاهُ فَتَقُولُ سَمِعْتُ مِنْ فُلَانٍ قَالَ فَيْكَ مِنَ الْخَيْرِ كَذَا وَ كَذَا خِلَافًا مَا سَمِعْتُ مِنْهُ»، سخن سه گونه است: گاه راست است و گاه دروغ؛ و گاه اصلاح در میان مردم. کسی عرض کرد: فدایت شوم منظور از میان مردم چیست؟ امام فرمود: این که از کسی درباره دیگری سخنی می‌شنوید که اگر به او برسد افسرده می‌شود تو او را دیدار می‌کنی و می‌گویی فلان کس درباره تو ذکر خیر فراوانی داشت برخلاف آنچه از او شنیده بودی و به این ابزار آندورا در این باره به یکدیگر خوش‌بین می‌کنی. (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، جلد ۲، صفحه ۳۴۱، حدیث ۱۶)

در این باره می‌بینیم قرآن کریم، مهرورزی و مهربانی مؤمنان را مایه نعمت (آل عمران، آیه ۱۰۳) و آمرزش خداوند (حجرات، آیه ۹) شمرده و دل‌زدگی و بی‌زاری دل‌ها را از یکدیگر سبب فساد بزرگ و از میان رفتن باورهای ایمانی. (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، ج ۷۲/۱۸۶) می‌داند زیرا دلگیری‌های ژرف و پردامنه رشته‌های برادری را می‌گسند و ارج و ارزش جامعه دینی را به چالش می‌برد.

پیامبر اسلام (ص) درباره اصلاح ذات البین می‌فرماید: (ایما مسلمین تهاجرا فمکثا ثلاثا یصلحان الا کانا خارجین عن الاسلام ولم یکن بینهما ولایه)، دو مسلمان اگر بیش از سه روز با یکدیگر قهر باشند، از حوزه اسلام بیرون شده و رشته سرپرستی و پیوند دینی از میان آنان برداشته می‌شود.

۴) نظرات فقها درباره اصلاح ذات البین

قرآن شناسان و فقها گفته‌اند، امر به اصلاح، بر دو چیز دلالت دارد:

۴-۱ - واجب بودن اصلاح و سازش دادن میان مؤمنان.

۴-۲ - فوری بودن آن. (قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ج ۸، جزء ۱۶/۳۱۹)

پیامبر (ص) بر ثواب پا درمیان و سازش دادن میان مؤمنان، سفارش‌ها کرده و پاداش و مزد مصلحان را همسان جهادگر در راه خدا شمرده است. (رازی ابوالفتوح، ج ۱۰/۲۵)

علی (ع) فرموده است: (فاستتروا فی بیوتکم و اصلحوا ذات بینکم). (سید رضی، ۱۳۷۸، خطبه ۱۶) مردم، درون خانه خویش جای‌گیرید و راه آشتی با یکدیگر را در پیش. امام، در پایان زندگی، با اشاره به سخنی از پیامبر بر ارج همدلی و بایستگی آن سفارش می‌فرماید:

(اوصیکما و جمیع ولدی ومن بلغه کتابی بتقوی الله ونظم امرکم و صلاح ذات بینکم فانی سمعت جدکما (ص) یقول: صلاح ذات البین افضل من عامه الصلوه و الصیام). (سید رضی، ۱۳۷۸، نامه ۲۴) شما و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه من بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن کارها و آشتی با یکدیگر، من از جد شما (ص) شنیدم که می‌فرمود: آشتی دادن میان مردم بهتر است از نماز و روزه سالیان.

در موثقه معاویه بن عمار از امام صادق (ع) آمده است: (المصلح لیس به کاذب) آشتی‌دهنده دروغ‌گو نیست (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، ج ۲/۲۱۰).

از امام صادق (ع) در این مورد آمده است، اگر برای سازش دادن میان دو تن فراخوانده شدی، نگو سوگند خورده‌ام، و این کار را انجام ندهم. (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، ج ۲/۲۱۸)

امام صادق (ع) با استناد به آیات می‌گویند، بر مسلمان واجب است برای اصلاح کار و آشتی میان دو برادر مؤمن، از آبروی خود مایه بگذارد و در این راه خود را به رنج افکند. (قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، ج ۱/۱۵۲)

۵) اصلاح میان مؤمنان بر دوش کیست؟

قرآن کریم به روشنی سفارش فرموده میان مؤمنان سازش برپا کنید. برخی از مفسران و فقها، می‌گویند، آشتی دادن میان مردم بر همگان واجب کفایی است، ولی گروه‌هایی از جامعه مسئولیت بیش‌تری از دیگران دارند و آنان نخستین ماموران به این کارند.

۱-۵- دو سوی اختلاف: در این خصوص دو طرف نزاع و کشمکش، در اصلاح میان خود وظیفه اصلی را به عهده دارند.

۲-۵- نظام اسلامی: نظام اسلامی در برپایی سازش و خرمی میان مردم و از میان بردن تنش‌ها و دلگیری‌ها وظیفه‌ای بسیار بزرگ دارد. پیامبر (ص) در مدینه قبیله اوس و خزرج را که از سالیان سال، در دوگانگی و دشمنی به سر می‌بردند، آشتی داد. افزون بر آن، پیامبر به میان قبیله‌ها می‌رفت، جنگ و درگیری اگر میان آن‌ها درمی‌گرفت، را اصلاح می‌کرد، بیان‌شده میان فرزندان عمرو بن عوف و مردم قبا از گذشته کشمکش ریشه‌داری بود. پیامبر برای آشتی آنان به محله قبا رفت. حضرت در آن روز نتوانست نماز را در آغاز وقت به‌جای آورد. (مصنف عبدالرزاق بن همّام صنعانی)

در دوگانگی‌های خانوادگی نیز، پیامبر پناهگاه مردم بود و مردم برای برپایی سازش و خرمی در میان خانواده، از آن حضرت درخواست یاری می‌کردند و پیامبر آنان را آشتی می‌داد. (سید رضی، ۱۳۷۸، ۱۶۴)

و همین طور علی (ع) که به میان مردم می‌رفت و از نزدیک، با گرفتاری‌های آنان آشنا می‌شد. چه بسیار آن حضرت در هوای گرم تابستان، در میان مردم دیده می‌شد که به رفع کارها می‌پرداخت و گروه‌ها، قبیله‌ها و کسانی که به کشمکش برخاسته بودند، از کشمکش بازمی‌داشت و چنان در این کار پی‌گیر و جدی بود که خود را به رنج و دردسر می‌افکند. (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، ج ۴۱/۵۷)

۳-۵- خواص (نخبگان) جامعه اسلامی: بزرگان، فرزندان و دانشمندان آیین، در میان مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. مردم به آنان به دیده احترام می‌نگرند و به دلیل پاکی و فرزانتگی، ارجمند مردم‌اند و سخن و پند آنان، کارایی عمیق دارد. اینان بسیار خوب می‌توانند در تندرست سازی جامعه و زدودن گردها کینه و دشمنی، نقش‌آفرینی کنند. به همین انگیزه، وظیفه‌ای بسیار سنگین دارند و نمی‌توانند خود را در کشمکش‌ها به دورنگه دارند. باید پا به میدان گذاشته و کشمکش‌ها را ریشه‌یابی کنند و به درمان آن‌ها برخیزند و گرنه گناهی نابخشودنی را انجام داده‌اند.

۶) راهکارهای آشتی میان مؤمنان

از میان بردن تنش‌ها، دل‌زدگی‌ها، نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر، بازگرداندن شادی به کانون خانواده‌ها کار آسانی نیست در اینجا به برخی از موارد اشاره می‌کنیم:

۱-۶- برانگیختن خرده‌های خفته

اگر در کارها از نیروی خرد و راهکارهای آن استفاده نشود، احساسات میدان می‌یابد و آرزوهای فردی و هوس‌ها و خشم و شهوت با آن در می‌آمیزد و حرکت‌های آنی، پرشتاب و به‌دوراز اندیشه رخ می‌دهد و گروه‌ها و قبیله‌ها و کسان، با شنیدن خبری ناگوار، بدون این‌که از درستی و نادرستی آن آگاهی دقیق داشته باشند، یکدیگر را انگیزه قرار می‌دهند و پراکندگی‌ها آغاز می‌شود.

قرآن برای پیشگیری از فساد ذات البین، مسلمانان را به خردورزی و کندوکاو در تباهی آفرینی دشمنی‌ها فرامی‌خواند. اوس و خزرج، دو قبیله بزرگ مدینه، به برکت وجود پیامبر (ص) از جنگ و کشمکش‌های دیرین که بسان زخم کهنه و چرکینی، زندگی آن‌ها را تباه کرده بود، رهایی یافتند. ولی پس از اسلام، گه گاهی، کینه‌ها شعله می‌کشید که در این هنگام پیامبر (ص) آنان را به خردورزی دعوت می‌کرد و گذشته نکبت بار را به یاد آنان می‌آورد.

۲-۶- گسترش ارزش‌ها و فضیلت‌ها

حاکم نبودن ارزش‌ها و فضیلت‌ها، در گروهی، سبب شده راه بر پیروی از هوای نفس گشوده شود. در جامعه‌ای که ارزش‌ها کم‌رنگ شود، چشم‌تنگی، زیاده‌خواهی، کینه، بی‌دادگری، رشد می‌کند و هنگامی این خویی‌های ناپسند و ضد ارزش رشد کرد، بسیاری از مردم، به جان هم می‌افتند و نظام زندگی از هم فرومی‌پاشد. گروهی از مفسران و تاریخ‌نگاران، شأن نزول آیه نخست سوره انفال را، آزمندی شماری از جنگاوران به سر غنائم جنگی دانسته‌اند. پیامبر در غزوه بدر، برای دلگرمی جنگجویان پاداش‌هایی را داد. این کار سبب شد جوانان در این پیکار افتخارآفرین، به انگیزه دست یابند و کسان سالخورده زیر پرچم‌ها درنگ کنند. پس از پایان نبرد پیرمردان گفتند ما نیز بهره‌ای داریم، ما مایه دلگرمی شما بودیم، اگر کاربر شما سخت می‌شد، به ما پناه می‌آوردید. این موضوع سبب شد، میان دو تن از انصار کشمکش سخنی رخ دهد و درباره غنائم بگومگو کنند. آیه نازل شد: از غنائم جنگی از تو می‌پرسند. بگو، غنائم جنگی از آن خدا و پیامبر است پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش کنید. (عمادی، قاضی ابی‌السعود محمدبن محمد، ۱۴۱۱، ج ۴ ص ۳۴۳) همراه بودن اصلاح و پارسایی در اینجا و دیگر جاها، نشانگر این نکته است که ارزش‌های اخلاقی و پرهیزگاری، زمینه‌ساز اصلاح ذات البین است.

قرآن به مؤمنان سفارش می‌کند بر یکدیگر سخت نگیرند و از پاداش شخصی برای مصلحت برتر و اصلاح، درگذرند، ولیعفو و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم، (نور، آیه ۲۲) باید ببخشند و ببخشایند، آیا می‌خواهید خدا شمارا بیامرزد.

گذشت از حق کینه‌ها را خشک می‌کند و سبب اصلاح پایدار میان دو طرف کشمکش می‌شود خداوند می‌فرماید، وجزاء سیئه سیئه مثلها فمن عفا وأصلح فأجره علی الله، جزای هر بدی، بدی است، همانند آن. پس کسی که آمرزش کند و آشتی ورزد مزدش باخداست. (شوری، آیه ۴۰)

کتب علیکم القصاص فی القتلی ... فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف واداء الیه به احسان ذلک تخفیف من ربکم ورحمه. درباره کشتگان بر شما قصاص مقرر شد... پس هرکس که از سوی برادر خود عفو گردد باید با خوشنودی از پی گزاردن خون‌بها رود و آن را به روش نیکو بپردازد. این فرمان، تخفیف و آمرزشی است از سوی پروردگارتان. (بقره، آیه ۱۷۸)

والجروح قصاص فمن تصدق فهو كفارة له. و هر زخمی را قصاصی است و هرکس از قصاص درگذرد گناهش را کفاره‌ای خواهد بود. (سوره مائده، آیه ۴۰)

نقش گذشت در پُرسمان‌ها خانوادگی، روشن‌تر است؛ زیرا گذشت از حق، از سوی زن و یا شوهر به سود دیگری، کینه‌ها را از میان می‌برد و به اصلاح می‌انجامد. و این امر اخاف من بعلها نشوزاً او إعراضاً فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحا والصلح خیر. اگر زنی دریافت که شوهرش با او بی مهر و از او بیزار است، باکی نیست که هر دو در میان خود شالوده آشتی افکنند که آشتی بهتر است. (نساء، آیه ۱۲۸)

در بازگویی آیه، روایتی از علی (ع) وارد آمده است، که فرمودند، مردی دارای دو همسر است که از اداره یکی ناتوان و یا بر اثر زشتی از او روی گردان شده و در پی جدا شدن از اوست. ولی زن خواهان جدایی نیست. زن با مرد سازش می‌کند که از حقوق خود به سود او درگذرد، به شرط این‌که از او جدا نشود. (قاضی نعمان، ۱۳۸۹، ج ۲/۲۵۳)

۳-۶- بستن راه آشوب‌های بیگانه

پاره‌ای از دلگیری‌ها و کینه‌ها در میان مؤمنان و گروه‌های پای بند به ارزش‌ها در جامعه اسلامی، ریشه بیرونی دارند. آشوب‌گران و بدخواهان، برای بدبین کردن گروهی از مؤمنان، به گروهی دیگر و روبروی یکدیگر قرار دادن آنها با هم و یا هواداران آن دو، از روش‌های گوناگون استفاده می‌کنند تا میان مردم مسلمان پراکندگی پدیدآورند. قرآن اینان را اهریمن نامیده و جنبش آنان را جنبشی اهریمنی، إنا ذلکم الشیطان یوقع بینکم العداوه والبغضاء. (مائده، آیه ۹۱) در صدر اسلام، منافقان و گروه‌هایی که سودها خود را با گسترش اسلام در آسیب می‌دیدند، همیشه میان مسلمانان زهرپاشی می‌کردند و با یادآوری‌های ناگواری‌ها و دوگانگی‌های کهنه، خشم مسلمانان را درباره به یکدیگر، برمی‌افروختند.

یهودیان، در میان مسلمانان آشوب‌گری می‌کردند. آنان گسترش اسلام را در شهر خود بر نمی‌تافتند و از استقبال گسترده مردم به این آیین نوظهور، در رنج و عذاب بودند، از این‌رو، برای دامن زدن به اختلاف میان مسلمانان دست‌به‌کار شدند و با شایعه‌پراکنی، دروغ‌گویی، بدگویی، یادآوری جنگ‌های خونین اوس و خزرج به افساد ذات البین می‌پرداختند، آورده‌اند یکی از یهودیان، به نام شاس بن قیس، از کنار مسلمانان می‌گذشت. گروهی از طوایف اوس و خزرج دوستانه در کنار یکدیگر نشسته بودند. کینه‌های درونی او به جوش آمد. به یکی از جوانان یهود سفارش کرد در جمع مسلمانان پیشامدهای خونین بعثت و جنگ‌های شدید میان اوس و خزرج را یادآور شود. گروهی از مسلمانان ساده‌دل، تحت تأثیر قرار گرفتند و همدیگر را تهدید کردند. نزدیک بود آتش جنگ روشن شود. پیامبر به سراغ آنان رفت و با اندرز، آتش آشوب را خاموش کرد. (ابن هشام، عبد الملک بن هشام حمیری، ج ۲/۳۴) به علاوه آیاتی از سوره آل عمران در ارج یگانگی و همبستگی و نعمت دوستی و هوشیاری نسبت به آشوب‌های یهودیان نازل شده است (قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، ج ۲، جزء ۳/۱۵۵)

۴-۶- بیت المال در خدمت اصلاح ذات البین

نزاع‌ها گاهی بر سر امور مالی است. تنها راه پایان دادن به آن بخشش مال است که مؤمنان باید به بخشش مال همت گمارند و نگذارند زخم کشمکش، دشمنی، دوگانگی در تن جامعه کهنه شود و بی‌درمان گردد، یکی از منابع درآمدی حکومت اسلامی زکات است، که باید فی سبیل الله هزینه شود، که بهترین راه، اصلاح ذات البین مؤمنان است.

امام صادق (ع) به کارگزار مالی خود مفضل بن عمر، فرمود: إذا رأیت میان اثنین من شیعتنا منازعه فافتدها من مالی. (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، ج ۲/۲۰۹) هنگامی که میان دو تن از پیروان ما نزاعی را دیدی از مال من غرامت بپرداز تا با یکدیگر آشتی کنند.

فقها از متون دینی استفاده کرده‌اند و گفته‌اند، از موارد کاربرد بیت المال، به‌ویژه زکات، اصلاح ذات البین است. چه اصلاح از نمونه‌ها و مصداق‌های بارز فی سبیل الله است. افزون بر این، اگر کسی در این راه زینانی دید، به‌عنوان سهم غارم، می‌توان از زکات زیان وی را بازپرداخت کرد. صاحب جواهر، در تعریف غارم در راه اصلاح نوشته است، غارم، کسی است که برای اصلاح ذات البین غرامت می‌پردازد، چنانکه کشته‌ای افتاده و کشته‌شده وی آشکار نیست و نزدیک باشد بر سر آن آشوبی رخ دهد. کسی خون‌بهای او را بر دوش می‌گیرد، یا مالی تباه‌شده و تباه‌کننده‌اش را نمی‌دانند، کسی برای پیشگیری از اختلاف ارزش آن را بپردازد. (محمدحسن نجفی، ج ۱۵/۳۶۱)

۵-۶- داوری خدا و رسول

در هر کشمکش و درگیری، چه فکری، چه مالی، چه خانوادگی و... بهترین داور خدا و رسول خداست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید، *وإن تنازعتم فی شیء فردّوه إلى الله والرسول إن كنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر وأحسن تأویلاً*. و چون در امری اختلاف کردید، اگر به خدا و روز رستاخیز باور دارید، به خدا و پیامبر بازگشت کنید. در این خیر شمامست و سرانجامی بهتر دارد. (نساء، آیه ۵۹) کشمکش در آیین و شریعت از مصداق‌های بارز دوگانگی‌هایی است که با بازگشت به سخن آشکار قرآن و سنت روشن پیامبر (ص) پایان می‌یابد.

۶-۶- عدالت، زمینه‌ساز سازش پایدار

خداوند می‌فرماید: *فأصلحوا بینهما بالعدل واقسطوا إن الله یحبّ المقسطین*. میان دو سوی کشمکش، سازشی دادگرانه برپا کنید و عدالت ورزید که خداوند دادگستران را دوست دارد. (حجرات، آیه ۹)

عدل، برابری و هر چیز را در جای خود نهادن است و رسیدن حق به صاحب آن. از میان بردن برتری بیجا و آزادی ستم‌دیده در گرفتن پاداش خود، زمینه اصلاح را فراهم می‌کند و در موارد بسیار به بخشش و احسان نیز می‌انجامد.

علامه طباطبائی می‌نویسد: در اصلاح کشمکش‌های خون‌بار و مسلحانه، تنها کنار گذاشتن جنگ‌افزار بسنده نیست اگر در میان این دو گروه حقی پایمال شده یا خونی ریخته شده و یا آبرویی از میان‌رفته، باید بازپرداخت شود و گرنه اصلاح به عدل نیست. (طباطبائی، سیدمحمدحسین ۱۳۷۴، ج ۱۸/۳۱۴)

شیخ طبرسی در تفسیر آیه شریفه: *وإن امراه خافت من بعلها نشوزاً أو اعراضاً فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً*. (نساء آیه ۱۲۸) ایرادی ندارد که زن برای اصلاح و بازگرداندن مرد از نشوز و روی برگردانی، از پاره‌ای پاداش واجب خود، مانند حق نفقه و لباس و هم‌خوابگی بگذرد. (طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ج ۲، جزء ۵/۲۵۰)

۷-۶- استفاده از داوران برگزیده

قرآن کریم برای اصلاح دوگانگی‌های خانوادگی فرمان داده است که داورانی از دو سوی اختلاف برگزیده شوند و آنان با همفکری و رایزنی به اختلاف پایان دهند: *وإن خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یریدا اصلاحاً یوقّ الله بینهما*. (سوره نساء، آیه ۳۵)

حکم، از ریشه حکمت به معنای انسان دلاور و آزموده و کاردان است و در یک واژه، مردی مورد اعتماد و دارای گیرایی سخن و منطق روان و پسندیده و شایسته برای داوری دادگرانه و اصلاح میان زن و مرد. (زمخشری، محمود بن عمر، ج ۱/۵۲۵) دادگاه خانوادگی، برتری‌ها و برجستگی‌های بسیاری بر دادگاه‌های عرفی و دولتی دارد، چه کسان خانواده به ریشه نگرانی‌ها آشنا‌ترند، رازهای خانواده در آن مصون می‌ماند و هزینه کم‌تری بر دوش جامعه و حکومت می‌نهد.

زمخشری در این باره نوشته است، انگیزه این که در پایه نخست باید داوران از میان خانواده زن و شوهر برگزیده شوند این است که نزدیکان مرد و زن از رویدادهای رایج میان آن دو آگاه‌ترند و نیز دل‌بستگی آن‌ها به اصلاح به واسطه خویشاوندی از بیگانه بیش‌تر است. افزون، زوجین رازهای دل خود را در نزد خویشاوند بهتر از بیگانه آشکار می‌کنند. رازهایی را که آماده نیستند به بیگانه بگویند به خویشاوند نمایان می‌کنند. (زمخشری، محمود بن عمر، ج ۱/۵۲۵)

پیامبر خدا، سعد را به داوری با بنی قریظه برگزید با آن که پیامبر خود بهترین داور بود و خداوند فرموده: پیامبر برای شما الگو و اسوه است. در قرآن، آمده است هر کس شکاری را در احرام به‌عمد بکشد، جزای او همانند آن حیوان است (همانند آنچه کشته است)، به شرط آن که، دو دادگستر بدان گواهی دهند. پس حفظ خون‌های مسلمانان سزاوارتر است از خون پرنده‌ای است. (طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، ۱۴۰۳، ج ۱/۱۸۹)

ابن عباس که از سوی امام برای گفت‌وگو با خوارج فرستاده شده بود، در مشروع بودن گزینش داور برای اصلاح ذات‌البین به آیه شریفه زیر استدلال کرد، فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها. (نساء، ۳۵) (أبو بکر عبد الله بن محمد بن ابي شيبه، ج ۱۰/۱۵۹)

۸-۶- قوه قهریه و جهاد

واپسین راه برای اصلاح میان مردم در کشمکش‌های خونین، استفاده از قوه قهریه و جهاد است. جنگ به‌قصد پیشگیری و یا جلوگیری از گسترش جنگ. اگر یکی از دو طرف درگیری، به سازش تن نداد و از مرزهای انسانی و شرعی خود، عبور کرد، مصلحان بایستی با او بستیزند و تا مرز پذیرفتن، تجاوزگر را دنبال کنند.

وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما. فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا آلتی تبغی حتی تفیء الی امر الله. فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل. (حجرات، آیه ۹) و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ برخاستند، میانشان آشتی برپا سازید و اگر یک گروه بر دیگری ستم کرد، با ستمکار بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس از بازگشت، میان آن دو گروه سازشی دادگرانه برپا کنید.

۹) نتیجه گیری

از مجموع احادیث بالا به‌خوبی روشن می‌شود که در میان کارها خیر کمتر عملی به اهمیت اصلاح ذات‌البین است تا آنجا که ملاتکه بر شخص اصلاح‌کننده درود می‌فرستند و عمل او برتر از نماز و روزه است و کار او همچون جهاد فی سبیل الله است. آشکار است اصلاح ذات‌البین تنها در سطح فرد یا کسان کارایی نمی‌گذارد بالاتر از آن سبب هماهنگی گروه‌های گوناگون جامعه و استوار کردن پیوندهای دوستی در میان آن‌ها می‌شود و این هماهنگی سبب پیروزی، عزت و توانا شدن جامعه اسلامی می‌گردد. بی‌گمان سخن دو گونه بیشتر نیست یا برابر واقع است یا به‌وارون واقع، اولی درستی نامیده می‌شود و دومی دروغ. ولی از آنجاکه سخنان خلاف واقع به‌نوبه خود نیز بر دو قسم است یا مایه فساد است یا مایه صلاح، امام (ع) آندورا از هم جدا کرده و آنچه مایه صلاح است قسم سومی شمرده است.

نکاتی بارزش در امر اصلاح ذات‌البین عبارت‌اند از:

- ۱- پیدا کردن ریشه‌های اختلاف و دورویی، این امر باعث می‌شود انسان زودتر به نتیجه برسد.
- ۲- پیدا کردن راه‌های گوناگون، اگر اختلافات عمیق باشد باید پس از بررسی پیرامون آن، تک‌تک به حل آن پرداخت و از شتابزدگی پرهیز نمود.

- ۳- تحریک عواطف، با استفاده از پُرسمان‌های عاطفی که در آیات و روایات وجود دارد، به انگیزش عواطف دو طرف پرداخت.
- ۴- مایوس نشدن، بردباری، حوصله و از خودگذشتگی، از دسته زمینه‌های بارزشی است که اصلاح‌کننده باید مدنظر داشته باشد.
- ۵- پرهیز از جانبداری یک نفر که این امر از نکته‌های مهم است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳۱۸)

منابع

۱. قران کریم
۲. ابن هشام، عبد الملك بن هشام حمیری (م ۲۱۸ هـ) ، سیره ابن هشام (السیره النبویة) تحقیق گروهی از فضلا، ۴ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۳. أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة ۱۵۹-۲۳۵ هـ المصنف - ابن أبي شيبة، تحقیق أسامة بن إبراهيم بن محمد
۴. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن ، طبقات اعلام الشیعه، موسسه اسماعیلیان قم ، بی تا، ایران مجلد ۶
۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: رجایی، مهدی ناشر: دار الکتاب الاسلامی محل نشر: قم
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق: عطار، احمد عبدالغفور، ناشر: دار العلم للملایین محل نشر: بیروت - لبنان
۷. الحر العاملی، ۱۴۰۳ ، وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح و تزییل: الشیخ عبد الرحیم الربانی شیرازی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، الطبعة الخامسة،
۸. رازی، ابوالفتوح (جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، ۴ جلد، بیروت، دارالفکر، بی تا
۱۰. سید رضی، ۱۳۷۸، نهج البلاغه، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، فقیه، چهارم، تهران
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین ۱۳۷۴ ش .تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی .قم :جامعه مدرسین حوزه علمیه
۱۲. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی ، ۱۴۰۳، الاحتجاج علی اهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد مقدس، نسخه حاضر، از چاپ مربوط به سال ۱۴۰۱ هجری
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: رسولی، هاشم مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله ناشر: ناصر خسرو محل نشر: تهران
۱۴. عمادی ، قاضی ابی السعود محمد بن محمد ، ۱۴۱۱ ق ، تفسیر ابی السعود ، چاپ دوم ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی
۱۵. قاضی نعمان، ۱۳۸۹، (دعائم الاسلام)، ج ۲/۲۵۳، دارالمعارف مصر.
۱۶. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، ناشر: ناصر خسرو محل نشر: تهران - ایران
۱۷. قمی ، علی بن ابراهیم ، ۱۳۶۷، تفسیر القمی ، ۲ جلد ، چاپ چهارم : قم ، دارالکتاب
۱۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، اصول کافی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت.
۱۹. مجلسی ، محمد باقر ، ۱۴۰۳ ق ، بحار الانوار ، ۱۱۰ جلد ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد؛ ۱۳۷۹، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شفیعی، قم، دارالحدیث، دوم، ج ۱۰.

۲۱. عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ه) تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، المصنّف (مصنّف عبدالرزاق، ۱۱ جلد، بیروت، المجلس العلمی
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ ۱۳۸۲، اخلاق در قرآن، قم، موسسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ج ۳.
۲۳. مهدوی کنی، محمدرضا؛ ۱۳۸۲، اخلاق عملی، قم، موسسه فرهنگی ثقلین، اول.
۲۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۴۳ جلد، چاپ هفتم: بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.